

بررسی سیر تذکره‌ها
و تاریخ ادبیاتهای فارسی در ایران
از ۱۲۸۵ هـ ش (مشروطه) تا سال ۱۳۳۲ هـ ش

بخش اول

اثر: دکتر منظر سلطانی
استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران
(از ص ۴۰۳ تا ۴۱۹)

چکیده:

در این تحقیق ابتدا کوشش شده است تعریفی نسبتاً جامع از تذکره و تاریخ ادبیات و تفاوت آن دو ذکر شود و برای تدوین و تألیف تاریخ ادبیات طرحی پیشنهاد گردد.

تاریخ ادبیات نویسی از ۱۲۸۵ ش. در ایران شروع شده و چون تا سال ۱۳۳۲ ش. مرحله‌ای از کمال خود را پشت سر گذاشته است؛ این دوره مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. برای دستیابی به نتیجه مطلوب دوره مذکور به ۵ دهه تقسیم شده و در هر دهه، پس از تبیین وضع آن دوره، مهمترین آثار پدید آمده در این زمینه نقد و بررسی شده؛ در نهایت نتیجه کلی تحقیقات بیان گردیده است.

طرح پیشنهادی برای تألیف تاریخ ادبیات بر مبنای هدف، موضوع، روش تحقیق و اشمال، ارائه شده و درباره جزئیات هر یک مطالب لازم بیان شده است.

واژه‌های کلیدی: تذکره، تاریخ ادبیات، نقد، سیر تاریخ ادبیات نویسی، سیر تذکره نویسی، شیوه‌های تألیف تاریخ ادبیات.

مقدمه:

از آنجاکه بررسی تحول ادبیات و عوامل مؤثر در آن تا حدودی از وظایف تاریخ ادبیات نویسان است، بررسی حدود توفیق فراهم آورندگان تاریخ ادبیات و تحقیقات تاریخی و ادبی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا در هدایت و راهنمایی پژوهشگران و شاعران و نویسندگان در تحقیق و نقد زبان و ادبیات فارسی نقش و تأثیر مهمی پیدا می‌کند.

مطالعه منابع مختلف و فهرستها نشان می‌دهد که تاکنون تحقیق مستقلی در این باره صورت نگرفته است و فقط برخی از نگارندگان تاریخ ادبیات یا محققان، مثل فروزانفر در مقدمه سخن و سخنوران و ادوارد براون و هرمان اته در مقدمه تاریخ ادبیاتهای خود، ملک الشعرای بهار و دکتر زرین کوب، در خلال آثار خود تا حدی به نقد تحقیقات ادبی و تذکرها پرداخته‌اند؛ بنابراین بررسی شیوه‌ها و روشهای محققان تاریخ ادبی لازم است تا معلوم شود در آثار آنها چقدر نوآوری. چقدر تأثیر پذیری یا چقدر تقلید وجود دارد و معایب و محاسن آنها چیست؟ برای رسیدن به این منظور، ابتدا لازم است بدانیم تاریخ ادبیات و تذکره چیست و چه تعریفهایی درباره آن ارائه شده است یا به عبارت دیگر چه انتظاری از آن وجود دارد.

تذکره

تذکره در لغت به معنی یادآوری، یادگار، یادداشت و گذرنامه (فرهنگ معین؛ ص ۱۰۵۷) است و در اصطلاح کتابی است که در آن، شرح احوال و زندگینامه مشاهیر اعم از امیران، وزیران، علما، فقهاء، اندیشمندان، ادبا و شاعران و معرفی آثار آنان بیاید.

از اولین کسانی که در زبان فارسی به امر تذکره نویسی برای شاعران و نویسندگان مبادرت کرده‌اند، ابوطاهر خاتونی (قرن ۵ و ۶ ه.ق.) است که «مناقب الشعرا» را به

او نسبت داده‌اند (دکتر زرین‌کوب، عبدالحسین؛ از گذشته ادبی ایران؛ ۱۳۷۵، ص ۳۰۹). قدیمیترین تذکره موجود، «لباب الالباب» تألیف محمد عوفی (م. ۵۶۳ هـ) است که فواید تاریخی و ادبی فراوانی دارد و از حیث عبارت‌پردازی به شیوه «یتیمه الدهر» ثعالبی نگاهشته شده است. (دکتر زرین‌کوب، عبدالحسین؛ نقد ادبی؛ ۱۳۶۱، ص ۲۳۹ - ۲۴۰)

عوفی «طبقات شعرا» (محمد عوفی؛ لباب الالباب؛ ۱۳۶۱، مقدمه مصنف) خود را «لباب الالباب» نامیده است. سبک نگارش این تذکره مصنوع است که مجال چندانی برای نقد و اظهار نظر دقیق ندارد. (دکتر زرین‌کوب؛ نقد ادبی؛ ۱۳۶۱، ص ۲۴۰).

از تذکرهاى دیگر مى‌توان «تذکره الشعرا» تألیف دولت‌شاه سمرقندی (م. ۸۹۲ هـ)، «تحفه سامی» تألیف سام میرزا صفوی (حدود ۹۵۷ هـ)، «تذکره نصرآبادی» تألیف میرزا طاهر نصرآبادی (م. ۱۰۸۳ هـ)، «تذکره هفت اقلیم» از احمد امین رازی (در حدود ۱۰۰۲ هـ) و تذکره «آتشکده» تألیف لطفعلی آذر بیگدلی (وفات حدود ۱۱۹۳ هـ.ق.) را نام برد (ر.ک: دکتر زرین‌کوب، نقد ادبی، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۷۲ و از گذشته ادبی ایران، ص ۱۵۴-۱۵۷ و نیز دکتر خانی، احمد، تاریخ ادبیات ایران؛ ج ۲، ص ۶۳-۸۶ و نیز احمد گلچین معانی، تاریخ تذکرهاى فارسی). از جدیدترین تذکرها، تذکره نسبتاً مفصل «مجمع الفصحا» از رضا قلی خان هدایت (۱۲۸۴ هـ.ق.) است. این تذکره که شرح احوال و آثار ۸۰۷ شاعر قدیم و جدید را در بر گرفته است جنبه انتقادی دارد و نمونه‌هایی از جانبداری از برخی معاصران و طرد برخی دیگر در آن دیده می‌شود. علاوه بر ویژگیهایی که در باب تذکرها ذکر شد، معمولا" اساس کار مؤلفان آن آثار، تقلید و مجمل و مبهم‌گویی و گاه تکیه بر حافظه، عدم دقت در ذکر تاریخ تولد و مرگ و نیز کلی‌گویی، تناقض، مختلف‌گویی، خلط اسامی شخصیتها و روایات مربوط به آنها و قضاوت «بر اساس قدمت و شهرت شاعران» (فروزانفر، بدیع‌الزمان؛ سخن سخنوران؛ ۱۳۰۸ - ۱۳۰۹ ش. ج ۱، ص ۵) است. در این آثار ستایشها و مداحیهای بی‌اندازه و توخالی مانع از روشن شدن واقعیتهای تاریخی است و حتی بهترین مطالب این سندها سطحی‌اند و مطالب آنها بی‌محتواست. (ریپکا، یان؛ و دیگران؛ تاریخ ادبیات ایران؛

این تذکرها عموماً "به شرح حال شعرا پرداخته‌اند و از احوال نثرنویسان در آنها اثری نیست و کسانی که دارای تألیفات مهمی در زمینه‌های مختلف علمی یا ادبی باشند، از حیث شاعری معرفی شده‌اند، نه جنبه‌های دیگر. برخی از تذکرها در نقل اشعار گاه چنان افراط کرده‌اند که آنها را به جنگ شبیه ساخته است. یادآوری این نکته لازم است که «بیاض، جنگ، سفینه، مرقع، کشکول» نیز به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شوند که اشعار شاعران را در آنها گردآوری کرده باشند و به همین دلیل گاهی همچون تذکرها برای محققان ادبی سودمند هستند. تذکرها از حیث روش تألیف، موضوع، زمان و مکان و... به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند که نمونه‌هایی از آنها در زیر می‌آید:

انواع تذکرها از حیث روش تألیف

الف) تذکره‌هایی که با تقلید از «یتیمه‌الدهر» ثعالبی و «دمیه‌القصر» باخرزی با عبارت پردازیهایی مبالغه‌آمیز تألیف شدند؛ مانند «لباب الالباب» از محمد عوفی.

ب) تذکره‌هایی که با تکیه بر اقوال و روایات و حافظه نگاشته شدند؛ نظیر «تذکره الشعرا» دولتشاه سمرقندی.

ج) تذکره‌هایی که ضمن تلفیق دو شیوه یاد شده تا حدودی با نقادی نیز همراه هستند، مثل تذکره «آتشکده» از لطفعلی آذر بیگدلی.

د) تذکره‌هایی که مؤلف در آنها به طرح مسائل تاریخی یا عرفانی توجه نشان داده است؛ نظیر «حدیقه الشعرا» (۱۲۹۶ ه.ق.) تألیف حاجی میرزا احمد دیوان بیگی، «ریاض العارفین» از رضا قلی خان هدایت.

تذکره‌هایی که به تفصیل یا اجمال نوشته شده‌اند و اشعار شاعران را مفصل یا محدود نقل کرده‌اند، در این مجموعه قرار می‌گیرند.

انواع تذکرها از حیث اشتمال

تذکرها از حیث اشتمال بر شرح احوال شاعران، به دو بخش اصلی ذیل تقسیم می‌شوند:

الف) تذکرة‌های عمومی ب) تذکرة‌های اختصاصی .

تذکرها از حیث شیوه تدوین نیز متفاوت هستند و مؤلفان بنا بر سلیقه خود آنها را بر اساس تنظیم الفبایی اسامی شعرا، ترتیب و تقدم تاریخی ظهور شعرا و یا مکانهای جغرافیایی خاص محل سکونت شاعران، تدوین کرده‌اند.

لازم است یادآوری شود که معمولاً صاحبان تذکرة خود نام «تذکرة» را برای اینگونه آثار انتخاب نکرده‌اند و از کلماتی که مفهوم مجموعه‌ای را برساند؛ همچون مجمع، ریاض، حدیقه، روضه و... استفاده کرده‌اند، و یا با در نظر گرفتن این نکته که آثار فوق در برگیرنده اشعار شاعران و محصول فکر آنان نیز هستند، نامهایی چون «الباب الالباب، جواهر العجایب و...» بر آنها نهاده‌اند.

با توجه به اشکالهایی که تذکرها را با همه ارزشمندی، غیر قابل اعتماد ساخته است، آثار مختلفی از قبیل فهرستها، فرهنگها، کتابهای تاریخ، دیوانها، منتخبات آثار شعرا، تفسیرها، و... وجود دارند که محقق ادبی را در تدوین و تألیف تاریخ ادبیات یاری می‌کنند، زیرا محقق با استفاده از آنها می‌تواند از ابهام درباره زندگی شاعر و سرنوشت آنان و... بکاهد؛ از جمله این منابع می‌توان به کتاب «تاریخ گزیده» (دکتر زرین‌کوب، سیری در شعر فارسی؛ ۱۳۷۱، ص ۵۲۸) اشاره کرد.

تاریخ ادبیات

در تعریف تاریخ ادبیات نظرهای مختلفی ارائه شده است. دکتر شوقی ضیف می‌نویسد: «این تاریخ از دگرگونیها و تحولات و فراز و نشیب و قدرت و ضعف آن سخن می‌گوید» (دکتر شوقی ضیف؛ تاریخ الادب العربی فی مصر؛ بی‌تا، ص ۵-۷) و با توجه به همین امر معتقد است که باید حرکت‌های فکری همه دورانها در تاریخ ادبیاتها بررسی

و تأثیر آنها در ادبیات نشان داده شود تا معلوم گردد که چقدر ادیبان از آن حرکتها متأثر شده‌اند و چقدر به غیر آنها وابسته بوده‌اند (همان جا).

دکتر محمد مندور بر این باور است که «تاریخ ادبیات معمولاً از هنگامی به وجود می‌آید که میراث‌های ادبی هر قومی گرد شود تا بتواند به جامه تاریخ درآید» (فی النقد و الادب؛ برگرفته از کتاب هنر، ص ۱۰۹). عباس اقبال آشتیانی تاریخ نثر را یک جزء از تاریخ ادبیات فارسی می‌داند، (مجموعه مقالات؛ ص ۲۷۹).

محمد تقی بهار تاریخ ادبیات را منحصر به شعرا نمی‌داند، بلکه آن را «تاریخ نویسندگان، دبیران، مترجمان، تاریخ نویسان، سرود گویان و مجلس گویان و نیز تاریخ معتقدات ملی و فلسفه‌های دینی و اخلاقی و نشان دادن تأثیر هر یک در ادبیات» (بهار؛ محمد تقی؛ بهار و ادب فارسی؛ ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۲۲) معرفی می‌کند، که در آن باید «تاریخ سبک‌های مختلف و علل هر کدام و تأثیر و چگونگی هر سبک و روش از نظم و نثر» مورد بحث و بررسی قرار گیرد؛ وی بررسی «نثر ادبی و جراید و سرودها و تصنیفها و ادبیات روستایی و فهلویات» (همان جا، ج ۱، ص ۳۴۲) را نیز از زیر مجموعه تاریخ ادبیات محسوب می‌کند.

جرزی پلک می‌گوید: «تاریخ ادبی به معانی متعددی؛ نظیر تاریخ ادبی محض، نظریه ادبی، جامعه‌شناسی ادبیات، روان‌شناسی ادبیات، معناشناسی ادبیات، روش‌شناسی نظریه ادبی و... به کار رفته است» (وندل، وی. هریس؛ مقاله «تاریخ ادبی چیست؟» مجله شعر، ش ۱۹، ۱۳۷۴، ص ۵۴) که وی. هریس به هیچ روی آن را گزافه نمی‌داند و دیوید پرکینز «تاریخ ادبی را جستجوی زمینه تاریخی یک متن به منظور دست یافتن به علل ایجاد آن» (برگرفته از Theoretical Issue in Literary History، به نقل از مآخذ پیشین) می‌داند.

دکتر زرین کوب معتقد است که «توالی سلسله‌ها و تشویق یا بی‌اعتنایی فرمانروایان اعصار به تنهایی نمی‌تواند اسباب تحول هیچ یک از دو صورت متمایز فعالیت ادبی - شعر و نثر - را تبیین کند و ناچار عوامل درونی شعر و نثر را که در

سنت‌های ادبی شکل گرفته است، در جریان مرور گذشته ادبی نمی‌توان نادیده گرفت.» (از گذشته ادبی ایران؛ ص الف - ب) شبلی نعمانی بحث درباره «شعر و شاعری ایران که از کی آغاز شده و علل و اسباب پیدایش آن چه بوده» است؟ چگونه مراحل تکامل را پیموده؟ تحولات و تطوراتی که در آن به مرور زمان روی داده، چه بوده، اوضاع و حالات اجتماعی و قومی چه اثری بر آن بخشیده یا تأثیر آن بر قوم و سیاست و اجتماع چه بوده است (شعر المعجم؛ ص ۳) را در تاریخ ادبیات مورد اهمیت قرار می‌دهد. دکتر صفا دو تعریف برای تاریخ ادبیات قائل است که یکی بیان «مجاهدات ادبی یک ملت به هر طریق که برای پیشرفت و تکامل زبان و ادب و علوم و فنون ادبی صورت گرفته است» و دیگری «بحث در انواع اصلی و اساسی شعر و نثر» (تاریخ ادبیات در ایران؛ ۱۳۶۷، ج ۱، مقدمه) است. در مجموع، تاریخ ادبیات بررسی تحولات و دگرگونی‌های میراث‌های ادبی که محصول ذوق و قریحه هستند، در تمامی اعصار با ذکر ویژگی‌های مذهبی، معنوی و زیبایی و بیان کیفیت تطور آنها و معرفی شعرا و نویسندگان و دیگر پدیدآورندگان آثار ادبی و بحث انتقادی درباره زندگی و آثار آنان بر اساس زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و روش‌شناسی، معناشناسی، تاریخ، فرهنگ، اخلاق و بحث درباره ارتباط این عوامل و علل با ایجاد یک اثر ادبی یا ظهور یک ادیب و سخنور از آغاز تاریخ است. در ضمن، لازم است که در آن، عوامل درونی تأثیرگذار بر شاعر و ادیب و نیز سبک‌های آنان و برجستگان هر عصر، آثار مهم ادبی هر دوره مشخص شود. پس تاریخ ادبیات باید آینه تمام‌نمای هر دوره باشد، به هر نکته‌ای هر چند ناچیز و اندک باشد، در آن اشاره شود و تحلیل عوامل بیرونی و درونی مؤثر بر ادبیات و نیز استنباط و استنتاج از داده‌های علمی و تاریخی و ادبی مورد نظر مؤلف آن قرار گیرد.

تفاوت تذکره و تاریخ ادبیات

با توجه به مواردی که ذکر شد، به طور خلاصه تفاوت تذکره‌های قدیمی و تاریخ

ادبیاتها را به صورت زیر می توان بیان کرد:

تاریخ ادبیات	تذکر	مدخل نوع کتاب
شعرا، نویسندگان و دیگر سخنوران	فقط شعرا	شرح احوال: در ادبیات به معنی خاص
برای تدریس در دبیرستان و دانشگاه و استفاده پژوهشگران	معرفی اعلام	هدف
بحث تحقیقی و مبسوطی درباره هدف و موضوع و دوره مورد نظر وجود دارد	معمولاً بحث نظری اندکی درباره شاعری و اولین شاعر در برخی تذکرها وجود دارد	مقدمه
نام شاعران یا ادبا، دوره های تاریخی، نظم و نثر و ...	بر مبنای شهر و ...	تقسیم بندی فصول
نثر مرسل	مصنوع	شیوه نگارش
تحقیقی، انتقادی، تحلیلی، مستند، مستدل	تقلیدی، رونویسی، بر مبنای حافظه	روش تألیف
مشاهیر، برجستگان، تأثیرگذاران، دارندگان ویژگیهای خاص در اولویت قرار دارند	معمولاً مبنای شهرت داشتن به شاعری	معیار انتخاب شاعران و ...
دارای عنوان اصلی و فرعی است مباحث مفصل است کامل، شامل همه موارد زندگی	مطالب مجمل است تقسیم بندی ندارد	تقسیم بندی مطالب
متعدد، متنوع و معتبر، معمولاً ذکر می شود ذوق و بلاغت	استفاده نشده، در صورت استفاده معمولاً ذکر نمی شود	جزئیات مطرح شده در شروح احوال منابع
به دور از یک سو نگری، عمقی، نقادانه	سلیقه ای جانبدارانه، سطحی، مبهم، کلی گویی	معیار انتخاب شعر و ... شیوه قضاوت درباره شعر و شاعر
مفصل	مجمل	کمیت شروح احوال
ذکر می شود و با تحلیل همراه بر مبنای نقل و تحلیل آنها و	معمولاً ذکر نمی شود بر مبنای استنباطهای شخصی	اوضاع اجتماعی و سیاسی روش استدلال

سابقه تاریخ ادبیات فارسی نویسی

سابقه تاریخ ادبیات نویسی در ایران به یک قرن نمی‌رسد. این نوع فعالیت ادبی پس از دگرگونی در ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران که موجب تبادل اندیشه‌ها و افکار بین ایرانیان و فرنگیان شد، به وجود آمد. پیش از تحول مذکور که در زمینه‌های مختلف ادبی دگرگونی ایجاد کرد، تاریخ ادبیات به گونه امروز وجود نداشت و به همان شکل قدیمی در تذکرها، فرهنگها و فهرستها و تاریخ سلسله‌های حکومتی، قابل مشاهده بود.

همزمان با روزهایی که در ایران برای نجات از حکومت استبدادی کوششهایی به عمل می‌آمد؛ در غرب ادوارد براون از سال ۱۹۰۲ م. / ۱۲۸۰ ش. تألیف خود به نام «تاریخ ادبیات ایران» را درباره شرح حال شعرا و ادبا و اوضاع تاریخی و ادبی ایران آغاز کرد و همزمان با وی هرمان اته تحقیق خود را درباره ادبیات فارسی در سال ۱۹۰۴ م. با نام «تاریخ ادبیات فارسی» به زبان آلمانی تألیف کرد. در فاصله بسیار اندکی پس از آن، شبلی نعمانی در شبه قاره هند، به تألیف کتابی درباره ادوار مختلف شعر فارسی پرداخت و آن را «شعر العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران» نامید، این دوران آغاز حرکت تألیف آثاری درباره ادبیات فارسی با عنوان «تاریخ ادبیات ایران» بود، این آثار هر چند خالی از مسامحه و لغزش نیستند، به شیوه انتقادی و با دیدی وسیعتر از تذکرها و بسیار عالمانه تألیف یافته‌اند.

یان ریپکا اهل چک و اسلواکی که از سال ۱۹۳۰ م. به ایران شناسی گرایش پیدا کرد، با همکاری چند محقق دیگر هموطن خود «تاریخ ادبیات ایران» را تألیف کرد. به دنبال آشنایی ایرانیها با این آثار، شخصیت‌های ادبی دانشمند و اهل تحقیق به تفحص در این زمینه می‌پردازند و می‌کوشند سررشته این کار را از دست غربیها بگیرند. علامه قزوینی همکار براون در تألیف «تاریخ ادبی» خود به اشاعه این علم

می‌پردازد. «وفیات معاصرین» وی که درباره شرح احوال بزرگان معاصر اسلام و ایران است، در مجله یادگار چاپ می‌شود؛ عبدالعظیم قریب «فوائد الادب» در نظم و نثر را در شش جلد به چاپ می‌رساند. عباس اقبال آشتیانی «تاریخ ادبیات ایران» را تألیف و در مجله دانشکده چاپ می‌کند؛ اما در آغاز این دوران؛ یعنی از ۱۲۸۵ ه.ش. به بعد محمد حسین فروغی «تاریخ ادبیات فارسی» خود را برای تدریس در دانشکده علوم سیاسی می‌نویسد که کتابی مستقل در این زمینه است. این اثر به همراه تألیفات مذکور و آثاری که در این جستجو مورد بررسی قرار می‌گیرند، تحول ادبی ایران در این زمینه را پدید می‌آورند.

روشهای تاریخ ادبیات نویسی

در تدوین تاریخ ادبیاتهای موجود به شیوه‌های مختلف زیر عمل می‌شود:

الف) انواع تاریخ ادبیاتها از لحاظ روش تألیف

تاریخ ادبیاتها از حیث روش تألیف به صورتهای زیر نگاشته شده‌اند:

۱. روش انتقادی؛ در این روش محقق با شیوه‌های مختلف نقادی، زندگی و آثار شاعران و نویسندگان را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ نظیر «سخن و سخنوران» از استاد فروزانفر و «با کاروان حله» از دکتر زرین کوب.

۲. روش توصیفی؛ مؤلف به توصیف پدیده‌ها یا وصف شرح حال شعرا و ادبا می‌پردازد.

۳. روش تحلیلی؛ محقق، تاریخ ادبیات را با تحلیل دستاوردهای ادبی تألیف می‌کند. البته مبنای گزینش دستاوردها نقادی است؛ نظیر «از گذشته ادبی ایران» از دکتر زرین کوب و «سیری در ادبیات غرب» نوشته جی. بی. پریستلی.

۴. روش نقلی که در آن مؤلفان بر اساس نقل مطالب تذکره‌ها و کتابهای تاریخ و سایر منابع به تألیف آثار می‌پردازند مثل تاریخ ادبیاتهای مربوط به دبیرستانها.

۵. روش رونویسی کردن آثار دیگران، که نویسندگان نتیجه تحقیق پژوهشگران شرقی و غربی را بدون کم و کاست یا با اندکی تغییر به نام خود چاپ می‌کنند، مثل نوشته تقی زاده در کتاب «هزاره فردوسی» ۱۳۲۰ که کاملاً برگرفته از «حماسه ملی ایران» نولد که آلمانی است (ر.ک: دستغیب، گرایشهای متضاد در ادبیات معاصر ایران؛ ۱۳۷۱، ص ۲۱۰).

ب) انواع تاریخ ادبیاتها از لحاظ هدف

- هدف محققان تاریخ ادبی با توجه به مخاطبان آثار آنان مشخص می‌شود:
۱. برای دانش آموزان؛ مثل «تاریخ ادبیات فارسی» از محمد رضا دایی جواد.
 ۲. برای دانشجویان، مانند «تاریخ ادبیات فارسی»، از ذکاء الملک فروغی.
 ۳. برای پژوهشگران ادبی؛ نظیر آثار دکتر زرین کوب و دکتر یوسفی در این زمینه.
 ۴. برای افزایش بینش جامعه از حیات ادبی با شناسایی غنای فرهنگی گذشته.

ج) انواع تاریخ ادبیاتها از جهت اشمال موضوع

- تاریخ ادبیاتها را از این جهت ابتدا به دو دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد:
۱. تاریخ ادبیاتهایی که بر مبنای ادبیات به معنی عام نگاشته می‌شوند، یعنی شامل همه آثار فعالیت‌های فکری یک ملت اعم از شعر و نثر و تألیفات در زمینه‌های سایر علوم و دانشهای بشری هستند؛ نظیر «تاریخ ادبیات ایران» از استاد همایی.
 ۲. تاریخ ادبیاتهایی که بر مبنای ادبیات به معنی خاص تألیف می‌شوند؛ یعنی شامل آثار ادبی اعم از شعر و نثر با معرفی صاحبان آن آثار هستند. نظیر «سخن و سخنوران»، «پله پله تا ملاقات خدا»، موضوع خاص ادبی و....

د) انواع تاریخ ادبیات از لحاظ شیوه تنظیم و تقسیم‌بندی مطالب

مطالب تاریخ ادبیاتها گاه به صورت موضوعی و گاه بر مبنای دوره‌های تاریخی و

گاه به ترتیب ظهور شعرا، ویژگیهای دوره‌ای خاص و... تنظیم گردیده است. با نگاهی اجمالی به شیوه‌های مختلف و تنوع موضوعهای مورد بحث، گستردگی و ژرفای تحقیقات ادبی در این زمینه آشکار می‌شود. به همین دلیل، تألیف تاریخ ادبیات مطلوب و فراگیر نیازمند تحقیقی همه جانبه است به گونه‌ای که محقق تاریخ ادبی با ذره بین نقد به دیدار تاریخ برود و محصولات اندیشه بشر را که رنگ و بوی ذوق و قریحه دارد از لابه لای اوراق آن موشکافی کند، از این روی با در نظر گرفتن تقریبی همه موارد لازم، برای تألیف تاریخ ادبیات رعایت نکات زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) هدف

بدیهی است که هدف مؤلف با توجه به نوع کاربرد حاصل تحقیق وی معلوم می‌گردد و در این زمینه شناخت مخاطب کار ساز است که بر مبنای ذیل خواهد بود:

۱. تاریخ ادبیات برای دبیرستانها؛
 ۲. تاریخ ادبیات برای دانشگاهها؛
 ۳. تاریخ ادبیات به منظور استفاده پژوهشگران و محققان تاریخ ادبی؛
 ۴. تاریخ ادبیات به منظور استفاده خارجیها.
 ۵. تحقیق در تاریخ ادبیات به منظور دستیابی به یافته‌های نو که برای هر مخاطبی سودمند است.
- با توجه به مخاطبان، کیفیت تألیف از دانی تا عالی متغیر خواهد بود.

ب) شیوه تألیف

- مؤلف تاریخ ادبیات فارسی، برای رسیدن به صحیح‌ترین یافته‌ها باید از دقیق‌ترین و فنی‌ترین شیوه‌ها استفاده کند، به همین دلیل پیشنهاد می‌گردد:
۱. از تقلید و رونویسی پرهیز کند، مگر اینکه بیان یک واقعیت تاریخی باشد.

۲. نوآوری و ابتکار داشته باشد و برای ترغیب به راههای تازه دنبال چیزی باشد که کمتر به گذشته شباهت داشته باشد.
۳. در بیان ویژگیهای آثار شاعران و نویسندگان، به ضعفها و قوتهای آنان به یک اندازه توجه کند. و برای حکم کردن درباره آنان راهی نو در پیش گیرد.
۴. نقد و تحلیل را اساس کار خود قرار دهد و این کار را بی غرض و بدون وابستگی به گروه یا سبکی خاص انجام دهد.
۵. گزارشگر محض نباشد.
۶. به فهرست نام شاعران و نویسندگان و آثار آنها اکتفا نکند.
۷. تجزیه و تحلیل فرهنگی را در نظر داشته باشد.
۸. از روح ادبی، مختصات و مکتب هر شاعر یا نویسنده سخن گوید و از افکار متوسط، مبتذل، عالی سخنوران یاد کند.
۹. شرح احوال صاحبان آثار را نباید به قصد سرگرمی نقل کند و باید به نکته آمیز بودن روایات در ذکر آنها توجه داشته باشد.
۱۰. در انتخاب و معرفی نمونه‌های شعر و نثر به معیار ذوق و بلاغت همزمان توجه کند.
۱۱. به رشد و تکامل و اوج و حضيض شعر و نثر به اندازه متناسب با هر یک، توجه نشان دهد.
۱۲. به مجموعه عوامل درونی و فکری و اجتماعی و بیرونی به یک اندازه توجه کند.
۱۳. به ملاحظات خالص ادبی در بررسی آثار توجه کند.
۱۴. بحث درباره نام و کنیه و تاریخ تولد و... را به تناسب شاعران و نویسندگان و به دور از تفصیل مطرح کند.
۱۵. از آخرین دستاوردهای محققان ادبی استفاده کند.
۱۶. از گسترش و تأثیر مراکز فکری و فرهنگی، ضمن روشن کردن خاستگاه آنها

سخن گوید.

۱۷. از جایگاه ادبیات در تقویت فرهنگ جامعه یاد کند.

ج) موضوع

موضوع مباحث تاریخ ادبیات نیز با توجه به نیاز مخاطب متغیر خواهد بود و محقق ادبی باید با در نظر گرفتن کل موارد زیر یا بخشهایی از آن به تألیف بپردازد:

۱. تاریخ ادبیات پیش از اسلام؛
۲. تاریخ ادبیات پس از اسلام (از همه جنبه‌ها)؛
۳. سیر تطور نثر و تاریخ آن؛
۴. سیر تطور شعر و تاریخ آن؛
۵. جنبشها و جریانهای فکری مؤثر بر ادبیات؛ نظیر تصوف؛
۶. انواع قالبها و مضامین، نظیر سیر مثنوی، ادبیات غنایی، ادبیات حماسی؛
۷. تاریخ ادبیات عصری؛
۸. تاریخ ادبیات منطقه جغرافیایی خاص؛
۹. معرفی شاعران یا نویسندگان هم سبک؛
۱۰. معرفی شاعران یا نویسندگان صاحب سبکهای مختلف با مقایسه سبکهای آنها؛
۱۱. معرفی قله‌های ادبی و بیان اوج و حضيض ادبیات در دوره‌های مختلف؛
۱۲. تاریخ ادبیات گروهی خاص.

۱. در تاریخ ادبیات پیش از اسلام باید به این موارد توجه شود:

- ۱-۱. درباره سلسله‌های حکومتی ایران باستان به اختصار توضیح داده شود.
- ۱-۲. نقش آن سلسله‌ها در ایجاد حرکت‌های فکری و فرهنگی بیان شود.
- ۱-۳. درباره وجود خط و زبان و نحوه پیدایش آنها مطالبی بیان شود.

- ۴-۱. درباره وجود و کیفیت ادبیات باستانی ایران سخن گفته و کتیبه‌ها بررسی شود.
- ۵-۱. تأثیر انتقال آثار و فرهنگ سایر سرزمینها به ایران و نقش ترجمه آثاری چون کلیله و دمنه بیان شود.
- ۶-۱. ضمن تبیین خاستگاههای فکری و فرهنگی از گسترش و تأثیر مراکز فکری بحث شود.
- ۷-۱. بخشی هر چند کوتاه به ادبیات تطبیقی آن زمان اختصاص داده شود و...
۸-۱. نمونه هایی از نوشته‌های باستانی چون «درخت آسوریک» بررسی شود.
۲. در تاریخ ادبیات پس از اسلام موارد زیر در نظر گرفته شود:
 - ۱-۲. بهترین و مناسب‌ترین تقسیم‌بندی مورد توجه قرار گیرد (با توجه به اینکه در ایران با تغییر حکومتها تفاوت‌های عمده‌ای در زبان و لغت و دیدگاهها و در نتیجه تأثیر این تفاوتها بر ادبیات پدید آمده است، مناسب‌ترین تقسیم‌بندی مبنای تاریخی بر اساس دوره‌های حکومتی بوده است، ضمن اینکه ادبیات جز در ویژگی خاص خود از تاریخ پیروی می‌کند). و نیز بررسی قله‌های ادبی از آن موارد است.
 - ۲-۲. وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران پس از اسلام به اختصار بیان شود.
 - ۳-۲. اوضاع ادبی ایران تبیین شود و دلایل رکود آنها با بیان ربط این اوضاع با وضعیت سیاسی و اجتماعی ذکر شود.
 - ۴-۲. از حوزه‌های شعر و ادب و نثر نویسی با توجه به موارد زیر بحث شود: دربار شاهان، دربار وزراء، انجمنهای ادبی، دیگر موارد.
 - ۵-۲. وقایع سیاسی و تحولات اجتماعی همه دوره‌ها به ترتیب و با رعایت اختصار و با در نظر گرفتن ارتباط آنها با پیدایش جریانهای فکری بیان شود.
 - ۶-۲. در صورت تأثیرگذاری آن دگرگونیها بر ادبیات و جریانهای ادبی ذکر شود.
 - ۷-۲. ارتباط حوادث اجتماعی و سیاسی با ظهور سبکها و دوره‌های مختلف

بیان شود.

۲-۸. به تشویق یا بی‌اعتنایی صاحبان قدرت نسبت به ادبا توجه شود و دلایل

آن ذکر شود.

۲-۹. محیط جغرافیایی هر دوره به اختصار بررسی و تأثیر آن بر جریانهای ادبی

بیان شود و اینکه کدام منطقه در ایجاد و تقویت ادبیات نقش داشته است.

۲-۱۰. رابطه نویسندگان و شاعران با محیط زندگی آنها ذکر شود.

۲-۱۱. دلایل انتخاب رسم الخط عربی اعم از خشک بودن یا دشواری استعمال

خط پیشین و یا... ذکر شود.

۲-۱۲. تاریخ زبان و گسترش شاخه‌های آن در حد نیاز بیان شود.

۲-۱۳. علل تأثیر پذیری زبان از واژه‌های بیگانه بیان شود و ضرورت دارد که از

زبان‌شناسی در این زمینه استفاده شود.

و ... (این تقسیم‌بندیها بسیار مفصل و گسترده است، برای رعایت اختصار به

همین مقدار بسنده شد).

نتیجه:

طرح پیشنهادی تألیف تاریخ ادبیات حاصل بررسی تمام تذکره‌ها، تاریخ ادبیاتهای فارسی و غیر فارسی درباره ادبیات ایران و نیز نقدها و دیدگاههای محققان ادبی در این زمینه است، جا دارد این طرح مبنای تألیف تاریخ ادبیات فارسی گسترده و فراگیری در ایران قرار گیرد؛ بدیهی است تألیف چنین اثری به همکاری محققان برجسته‌ای در زمینه‌های تاریخ، ادبیات، زبان‌شناسی، نقد ادبی، سبک‌شناسی و ... نیاز دارد که امید است روزی این خواسته تحقق یابد.

در پایان ضمن قدردانی از توجه و حوصله و دقت استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب و اظهار تأسف از فقدان ایشان؛ از درگاه خداوند متعال برای آن روح شریف و زنده حقیقی علو درجات مسئلت می‌کنم.

منابع و مأخذ:

۱. اته، هرمان، تاریخ ادبیات فارسی؛ ترجمه دکتر رضازاده شفق؛ چ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.
۲. اقبال آشتیانی، عباس؛ مجموعه مقالات؛ گردآوری و تدوین دکتر سید محمد دبیرسیاقی؛ چ اول، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۹.
۳. بهار، محمد تقی؛ بهار و ادب فارسی؛ مجموعه یکصد مقاله از بهار، به کوشش محمد گلین، مقدمه دکتر غلامحسین یوسفی، ۲ ج، ۳، تهران: کتابهای جیبی با همکاری امیر کبیر، ۱۳۷۱.
۴. خاتمی، احمد (دکتر)؛ تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی؛ ۲ ج، چ اول، تهران: پایا، ۱۳۷۳.
۵. خطیبی، حسین؛ فن نشر در ادب فارسی؛ چ اول، تهران: زوّار، ۱۳۶۶.
۶. دستغیب، عبدالعلی؛ گرایشهای متضاد در ادبیات معاصر ایران؛ چ اول، تهران: نشر خنیا، ۱۳۷۱.
۷. زرین کوب، عبدالحسین (دکتر)؛ از گذشته ادبی ایران؛ چ اول، تهران: الهدی، ۱۳۷۵.
۸. زرین کوب، عبدالحسین (دکتر)؛ سیری در شعر فارسی؛ چ ۳، تهران: علمی، ۱۳۷۱.
۹. زرین کوب، عبدالحسین (دکتر)؛ نقد ادبی؛ ۲ ج، ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۱۰. صفا، ذبیح الله (دکتر)؛ تاریخ ادبیات در ایران؛ ۸ ج، چ ۸، تهران: فردوس، ۱۳۷۲.
۱۱. ضیف، شوقی (دکتر)؛ تاریخ الادب العربی فی مصر.
۱۲. عوفی، محمد؛ لباب الالباب؛ تهران: کتابفروشی فخرآزادی، ۱۳۶۱.
۱۳. فروزانفر، بدیع الزمان؛ سخن و سخنوران؛ چ چهارم، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۹.
۱۴. گلچین معانی، احمد؛ تاریخ تذکره‌های فارسی؛ تهران: ۱۳۴۸.
۱۵. معین، محمد؛ فرهنگ معین.
۱۶. مندور، محمد؛ فی النقد و الادب؛ ترجمه دکتر علی شریعتی (از کتاب هنر).
۱۷. نعمانی هندی، شبلی؛ شعرا المعجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران؛ ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی؛ ۲ ج، چ ۲، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۱۸. وی. هریس، وندل؛ «تاریخ ادبی چیست؟»؛ ترجمه علی ملا محمد جان؛ مجله شعر؛ س ۳، ش ۱۹، شهریور ۱۳۷۴.

